

بزرگ‌ترین گناه نابخشودنی چیست؟

گناهان یا کبیره‌اند یا صغیره، و اسباب مغفرت و آمرزش گناهان نیز سه چیز است: توبه، شفاعت و انجام کارهای نیک؛ مانند نماز و



گناهان یا کبیره‌اند یا صغیره، و اسباب مغفرت و آمرزش گناهان نیز سه چیز است: توبه، شفاعت و انجام کارهای نیک؛ مانند نماز و

برخی از گناهان به وسیله شفاعت بخشیده می‌شوند، البته اگر شخص گنه‌کار، اهل ایمان و یکتا پرست باشد، برخی دیگر از گناهان بویژه گناهان صغیره با انجام کارهای نیک، قابل بخشش هستند. اما تعداد اندکی از گناهان؛ مانند شرک و کفر هستند که با انجام کارهای نیک و شفاعت بخشیده نمی‌شوند، بلکه فقط با توبه بخشیده خواهند شد.

بنابر این گناهی وجود ندارد که قابل بخشش نباشد، و اگر در روایات، تعبیری مبنی بر گناهان نابخشودنی یافت می‌شود، مراد آن است که بدون اسباب، خصوصاً بدون توبه قابل بخشش نیست، نه این‌که به طور مطلق قابل بخشش نباشد. بر این اساس، خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: از رحمت خدا ناامید نمی‌شوند، مگر گروهی که کافر به خدا باشند.

البته، برخی از گناهان علاوه بر این‌که جنبه حق الهی دارند، حق الناس هم هستند که خداوند حق خودش را می‌بخشد، اما حق الناس را بدون رضایت صاحب حق نمی‌بخشد و گنه‌کار باید حق صاحب حق را پرداخت و رضایتش را جلب نماید تا توبه‌اش پذیرفته شود و آثار گناهش کاملاً از بین برود.

پاسخ تفصیلی

گناهان به اعتباری بر دو قسم‌اند: 1. گناهان کبیره، 2. گناهان صغیره.

در تعریف گناهان کبیره اختلاف است، اما جامع‌ترین تعریف آن است که: هر گناهی که به خصوصه وعده عذاب بر آن مترتب شده باشد، یا حدی بر آن معین و مقرر گشته و سقوط عذاب آن موقوف به توبه باشد به آن گناه، کبیره گفته می‌شود. [1]

بخشش و آمرزش گناهان هر فرد سبب می‌خواهد و قرآن کریم اسبابی را که بیان می‌شود برای بخشش گناهان معرفی کرده است:

1. توبه: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ای پیامبر از قول من به بندگانم بگو: «ای بندگان من که در جنایت به خویش (به واسطه گناه) از حد گذشتید، از رحمت خدا نومید مگردید، بی‌تردید خداوند همه گناهان را (به وسیله توبه هر چند شرک باشد) می‌آمرزد؛ زیرا او است آمرزنده و مهربان.> [2]

توجه به سه نکته در این آیه شریفه از اهمیت خاصی برخوردار است که دارای نتیجه‌ای بسیار دقیق و عمیق خواهد بود:

الف؛ لفظ «عبادی> دارای اطلاق است، تمام بندگان خدا حتی مشرک و کافر را نیز شامل می‌شود. [3]

ب؛ آنچه از سیاق آیه به دست می‌آید، مراد از اسراف بر نفس، تعدی و تجاوز بر نفس است و این تعدی و تجاوز، اعم است از شرک و سایر گناهان، چه کبیره چه صغیره. [4]

ج؛ «الذنوب>، جمع محلی بالف و لام است و با آوردن تأکید به لفظ «جمعياً>، بدون تردید دلالت بر عموم دارد. [5]

بنابراین، با توبه واقعی تمام گناهان حتی شرک و کفر، از تمام کسانی که توبه واقعی نموده باشند، چه مؤمن، چه کافر و چه مشرک، بخشیده می‌شوند.

2. شفاعت: خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى> [6] و بزودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی.

مفسران بر این‌که این آیه در بیان اعطای مقام شفاعت از سوی پروردگار کریم به پیامبر گرامی اسلام است، اتفاق نظر دارند. [7]

بدون تردید پیغمبر اکرم(ص) به عنوان خاتم انبیا و رهبر عالم بشریت، خشنودیش تنها در نجات خویش نیست، بلکه آن زمان راضی و خشنود می‌شود که شفاعتش در باره امتش نیز پذیرفته شود.[8]

از امام باقر(ع) در مورد امید بخش‌ترین آیه قرآن سؤال شده است، امام فرمود: آیه «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى« امید بخش‌ترین آیه در قرآن است که در مورد شفاعت است، قسم به خدا در مورد شفاعت است؛ قسم به خدا در مورد شفاعت است.[9]

شرط شفاعت، ایمان به خدا و موحد بودن است؛ زیرا با شرک و کفر رابطه عبودیت ارادی و اعتقادی از پروردگار گسیخته شده، و واسطه شدن پیامبر درباره بی‌گانه مفهوم ندارد. بنابراین، شفاعت شفاعت کنندگان نزد خداوند مهربان، در خصوص گناهان کبیره‌ای خواهد بود که اهل ایمان مرتکب شده‌اند.[10]

امام صادق(ع) می‌فرماید: «رضی جدی ان لا یبقی فی النار موحد«[11] جد من پیامبر اسلام(ص) زمانی راضی می‌شود که هیچ فرد خداپرستی در آتش جهنم باقی نماند.

3. انجام اعمال و کارهای نیک: قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «به یقین نیکی‌ها(که نماز در رأس آنها است) گناهان را از بین می‌برد (پلیدی گناه را از نفس، مفساد آن را از آفاق، سیاهی آن را از نامه عمل و استحقاق عذاب را از عامل می‌زداید)، این تذکری است برای یادکنندگان.[12]

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی می‌شوید دوری گزینید ما گناهان کوچک شما را از شما می‌زداییم و شما را به جایگاهی گرامی درمی‌آوریم.[13]

این آیات و آیات دیگری از قرآن کریم، بیانگر این مطلب هستند که انجام اعمال نیک، آثار زیان‌بار اعمال بد بویژه گناهان صغیره را از بین می‌برد.[14]

از امام صادق(ع) روایت شده است: گناه را کوچک نشمار اگرچه صغیره باشد؛ زیرا بدی آن روزی دامن‌گیرت می‌شود، همچنین کار نیک را کوچک مشمار؛ زیرا این کار کوچک گناهان بزرگ گذشته را از بین می‌برد؛ چون خداوند متعال در قرآن فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ«.[15]

با توجه به مطالبی که بیان شد، روشن می‌شود از این اسباب سه‌گانه برای آمرزش گناهان، فقط توبه، عمومیت دارد و می‌تواند سبب آمرزش تمامی گناهان حتی شرک و کفر شود، اما دو سبب دیگر شامل تمام گناهان نمی‌شوند؛ زیرا انجام کارهای نیک که یکی از اسباب آمرزش است از مشرک و کافر به دلیل نداشتن قصد قربت پذیرفته نمی‌شود تا بتواند سبب آمرزش گناهان آنان شود، همین‌طور شفاعت نیز مشروط به ایمان گردیده است. از طرف دیگر خداوند در قرآن به صراحت می‌فرماید: «مسلماً خداوند (گناه) شرک به او را (بدون توبه) نمی‌آمرزد و غیر آن (یا فروتر از آن) را برای هر که بخواهد (هر چند بدون توبه، طبق برخی از شرایط) می‌آمرزد.[16]

این آیه ناظر به شفاعت است؛ یعنی می‌فرماید خداوند کمتر از شرک را برای کسانی که شفیع داشته باشند می‌آمرزد، نه شرک را. بنابراین فقط توبه باقی می‌ماند و کلام خدای تعالی هم صریح در این است که خدا همه گناهان حتی شرک را هم با توبه می‌آمرزد.[17]

نتیجه این‌که؛ گناهی وجود ندارد که قابل بخشش نباشد و اگر در روایات، تعبیری مبنی بر گناهان نابخشودنی یافت می‌شود، مراد آن است که بدون اسباب، خصوصاً بدون توبه قابل بخشش نیست، نه این‌که به طور مطلق قابل بخشش نباشد. بر این اساس خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: از رحمت خدا ناامید نمی‌شوند مگر گروهی که کافر به خدا باشند.[18]

البته، برخی از گناهان علاوه بر این‌که حق الله هستند، جنبه حق الناسی هم دارند، خداوند حق خود را می‌بخشد، اما حق الناس را بدون رضایت صاحب حق نمی‌بخشد و گناه کار باید حق صاحب حق را پرداخت و رضایتش را جلب نماید، تا توبه‌اش مورد پذیرش و آثار گناهش کاملاً از بین برود.[19]

[1]. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنا عشری، ج 12، ص 343، میقات، تهران، چاپ اول، 1363 ش.

- [2]. 171« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفَّورُ الرَّحِيمُ»، زمر، 53.
- [3]. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 17، ص 278، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، 1417ق.
- [4]. المیزان، همان، ص 279.
- [5]. طیب، سید عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 11، ص 330، اسلام، تهران، چاپ دوم، 1378ش.
- [6]. ضحی، 5.
- [7]. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق، بلاغی، محمد جواد، ج 10، ص 765، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، 1372ش؛ شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، محقق، حسینی ارموی، میر جلال الدین، ج 4، ص 809 - 810، دفتر نشر داد، تهران، چاپ اول، 1373ش؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 27، ص 99، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، 1374ش.
- [8]. تفسیر نمونه، همان.
- [9]. کوفی ابوالقاسم، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، محقق، محمودی، محمد کاظم، ص 571، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، 1410ق.
- [10]. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، محقق، بهبودی، محمد باقر، ج 14، ص 256، کتابفروشی لطفی، تهران، چاپ اول، 1404ق.
- [11]. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، محقق، اعلمی، حسین، ج 5، ص 341، الصدر، تهران، چاپ دوم، 1415ق.
- [12]. 171« إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكَّارِينَ»، هود، 114.
- [13]. 171« إِنَّ تَجْتَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ تُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا»، نساء، 31.
- [14]. تفسیر نمونه، ج 9، ص 267.
- [15]. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق و مصحح، رسولی محلاتی، هاشم، ج 2، ص 162، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، 1380ق.
- [16]. 171« إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»، نسا، 116.
- [17]. المیزان، ج 17، ص 279 280.
- [18]. 171« إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِذَا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»، یوسف، 87.
- [19]. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح، حسینی ارموی محدث، جلال الدین، ج 6، ص 63، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، 1366ش.